

TOWARDS CONSTITUTIONAL CONGRESSES FOR IRAN

<http://www.ghandchi.com/315-Congress-plus.htm>

بسوی کنگره های قانون اساسی برای ایران

جدا شدن بخش قابل توجهی از نمایندگان مجلس ششم جمهوری اسلامی از انتخابات مجلس هفتم، این واقعیت را بیش از هر زمان دیگری نشان داده است که انقلاب 1357، رفراندوم و مجلس خبرگان جمهوری اسلامی، قانون اساسی و رژیم خلق کرده است، که خود سازندگان آن نمیتوانند به ساده ترین اصل دموکراسی یعنی برکناری آنان که مردم نمی خواهند، دست یابند، و به عوض خود از پروسه قانونی انتخابات حذف شده اند.

آقای **کدیور** گفته اند "مجلس مشروطه هم از دور هفتم فرمایشی شد". البته ناگفته نماند که اگر در انتخابات مجلس هفتم جمهوری اسلامی دعوا بر سر صلاحیت کاندیداهای اصلاح طلب است، مجلس جمهوری اسلامی از همان مجلس اول فرمایشی بوده است، و بت اصلاح طلبان اسلامی، یعنی آیت الله خمینی، قاسملو را که نماینده منتخب شده در همان مجلس اول جمهوری اسلامی بود، با حکم شجصی خود فاقد صلاحیت خواند، و آنگونه که میدانیم بعداً قاسملو را در اروپا ترور کردند.

امروز بسیاری از رفراندوم میگویند. من هم معتقدم اگر قانون یا قانون های اساسی جدیدی در دسترس بود، به رفراندوم گذاشتن آنها میتواندست راه گشای آینده ایران باشد. اما درک من از واقعیت چنین نیست. بنظر من حتی جمع هائی که در چند سال اخیر برای اتحاد جمهوری خواهان تشکیل شده اند اساساً به دلیل روشن نبودن خواسته های مردم ایران در زمینه قانون اساسی، و نه بخاطر مسأله افراد، شکست خورده اند. درست است که هرگاه جنبش بالا میگیرد، عده ای هم که به دنبال مقام و منصبی هستند فعال میشوند، ولی این موضوع بخودی خود باعث شکست این کوششها نیست، و بالعکس هم یافتن بهترین انسانها نمیتواند این کوششها را موفق کند، مگر آنکه این کوششها همراه درک روشنی از قانون اساسی آینده انجام شوند

مثلاً از نظر آقای رضا پهلوی رفراندوم اساساً درباره قانون اساسی تازه ای نیست و درباره انتخاب سلطنت و جمهوری است. در نتیجه اگر سلطنت رأی آورد، قانون اساسی آن میتواند همان قانون زمان محمد رضا شاه باشد. از دید برخی دیگر از سلطنت طلبان، سلطنت آینده ایران بایستی مثل سلطنت سوئد باشد. به عبارت دیگر درک ناروشن از موضوعات قانون اساسی برای سلطنت طلبان نیز مانند جمهوری خواهان، باعث شکست کوششهایشان شده است. من حتی در گذشته پیشنهاد کردم که رضا پهلوی در صورت استعفا از مقام سلطنت ابتکار تجمعی برای قانون اساسی در خارج را بگیرد. دلیل من هم این بود که موضوع قانون اساسی و همه گیر شدن آن رمز تضمین دموکراسی در آینده ایران است و نه این شخص یا آن شخص.

موضوع قانون اساسی موضوعی نیست که یک عده ای بنشینند و نظیر قرآن بنویسند و فقط مردم به آن رأی دهند. درست است که همه کس نمیتوانند قانون اساسی بنویسند اما همه کس میتوانند آن را بخوانند و نتیجه آن را برای خود حلای کنند و صبر نکنند تا به استبداد جدیدی سقوط کنند و بعد دوباره 25 سال دیگر دنبال سرنگون کردن محصول از خود گذشتگی هایشان شوند. البته در پایان پروسه، رأی به قانونی است که به رفراندوم گذاشته میشود، ولی آن مرحله پایانی کار است. کار ابتدا بایستی از هر کوی و برزن شروع شود. منظورم چیست؟

بنظر من در هر شهر و ده، منطقه و استان ایران، و نیز در هر جامعه ایرانی خارج کشور، بایستی جمعیت های قانون اساسی تشکیل شود و طرح های مختلف قانون اساسی ایده آل مردم به بحث گذاشته شوند. درست است که کسانی نظیر وکلا و روشنفکران در ارائه طرح ها بیشتر نقش خواهند داشت، ولیکن مردم عادی میتوانند هر طرحی را نسبت به تجربه خود در جمهوری اسلامی در 25 سال اخیر، و نیز نسبت به تجربه رژیم شاهنشاهی قبل از آن ارزیابی کنند. کنگره هایی برای تصویب قانون های اساسی گوناگون در نقاط مختلف ایران و خارج میتواند تشکیل، و تعداد رأی ها برای طرح های گوناگون گزارش شود. حاصل نهایی میتواند در یک کنگره سراسری طرح و تصویب شود و به رفراندوم ملی گذاشته شود.

حتی ممکن است این کنگره های محلی پس از تصویب قانون اساسی سراسری به حیات خود ادامه دهند و ضامن بقا دموکراسی در ایران شوند. این را از حالا نمیتوان پیش بینی کرد و بستگی به این دارد که پروسه ذکر شده چگونه جلو رود و قانون اساسی نهایی که تصویب شود چه قانونی باشد.

آنچه مهم است این است که جنین پروسه ای میتواند سیستم کنترل و توازن مهمی برای جلوگیری از سوء استفاده آنانی که هدفشان جاه و مقام است ایجاد کند، و به اهداف آزادی، عدالت و پیشرفت در ایران یاری رساند.

ایران کنونی، آمریکای زمان ابراهام لینکلن نیست، که با بند الحاقی ضد برده داری، قانون اساسی اش درست شود. ایران ما آفریقای جنوبی نیست، که با حذف آپارتاید، قانون اساسی اش مترقی شود. قانون اساسی مجلس خبرگان یک سند کاملاً واپس گراست که ضد سکولاریسم، ضد دموکراسی، ضد عدالت اجتماعی، و ضد فدرالیسم است و بایستی اساساً بدور ریخته شود و قانون اساسی مدرنی به جای آن نوشته شود. دلیل اصلی عدم موفقیت مجلس جمهوری اسلامی نیز نه این و یا آن ارگان دولتی، بلکه کل این ساختار است که 25 سال پیش بدست مجلس خبرگان ساخته شد، مجلسی که نتیجه کوششهای مردم، وکلا، و روشنفکران نبوده، بلکه مجلس فرمایشی اسلامگرایان ایران و در رأس آن آیت الله خمینی بود.

تجمع اتحاد جمهوریخواهان در برلین و جمع های مشابه در سال های اخیر نشان داد که بدون انجام کارهای پایه ای که در بالا ذکر شد، از جمع سران نتیجه ای حاصل نمیشود، و هر بار تکرار تجربه های شکست خورده با لیست افراد جدید، به نتیجه مشابهی میرسد. مسأله افراد نیست و مسأله شخصی آن ها هم به کسی ربطی ندارد. در رابطه با مسائل سیاسی هم درست است که کم و زیاد گوئی هست، که به اعتماد سیاسی اثر میگذارد، اما این ها دلیل اصلی شکست این جمع ها نیستند. مسأله این است که کار را بایستی از پایه انجام داد و میان برها بنظر تند تر میایند، ولی در مدت کمی از نفس میافتند، و به گله و سرزنش از این و آن فرد میانجامند، و عده ای جدید دوباره جمع میشوند اما همان نتیجه قبلی را بدست میآورند. کار پایه ای طولانی تر و سخت تر است ولی نتیجه اش معقول تر است.

ما همه مردم بایستی خود ابتکار عمل را به دست گیریم و به امید هیچ شخصیت یا کشور بیگانه ای ننشینیم و در هر جایکه هستیم جمعیت های قانون اساسی ایجاد کنیم، و تکنولوژی اینترنت نیز در این زمینه بسیار کمک کننده است تا از تجربیات نقاط مختلف ایران، ایرانیان خارج از کشور، و دیگر مردم جهان استفاده کنیم، ولی هر کدام از ما بایستی روی قانون اساسی آینده کار کنیم و به امید دیگری ننشینیم، وگرنه اگر فردا دوباره سیستمی ساختیم که حتی خود سازندگان از آن فراری بودند، کسی جز خود را نبایستی سرزنش کنیم.

برای بحث درباره قانون اساسی آینده میتوانید به صفحه زیر مراجعه کنید:

<http://www.ait-ccc.com/cgi-bin/wsmmb/wsmmb.cgi?RT+UYCFGSHOP/QEJSYJRWY+19222>

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

25 بهمن 1382

February 11, 2004

متن بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/315-CongressEng.htm>

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com/BasicWritings.htm>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>